

WISDOMS
OF CHRIST

حکمت‌های
حضرت

علیرضا زکی‌زاده رنانی



انتشارات قلم نو

قلم / خیابان شهید منتظری / کوچه ۸ / پلاک ۸
تلفن: ۷۷۲۲۹۸۲ / فاکس: ۷۷۲۵۰۸۰ (۰۲۵۱) / همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸-۸
www.Ghalemeno.ir
Email: info@Ghalemeno.ir



ناشر: انتشارات قلم نو
مؤلف: علیرضا زکی زاده رنانی
طراح جلد و صفحه آرا: مرتضی فتح الهی
لیتوگرافی: نویس
چاپ و صحافی: نگین
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
نوب چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۶
بها: ۱۳۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۲-۰۵-۷

مراکز پخش:

● فروشگاه اینترنتی کتاب:

www.p-khorshid.ir

● پخش کتاب دریای دانش - تهران: خ انقلاب / رخ فخر رازی

کوی فاتحی / داریان / پلاک ۳۹

تلفن: ۷-۶۶۹۷۷۹۶۴ (۰۲۱) همراه: ۰۹۱۲ ۱۷۲ ۵۸۰۰

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
۱۲	مقام حضرت عیسیٰ ﷺ در نزد خداوند متعال:.....
۱۵	اما چرا مسیح؟.....
۲۳	اما مباحث این نوشتار:.....
۲۵۴	● بخش اول: توحید و نبوت.....
۲۷	سفارش‌های خداوند به حضرت عیسیٰ ﷺ.....
۴۴	حضرت عیسیٰ ﷺ در کلام حضرت علی ﷺ.....
۴۵	زندگی حضرت عیسیٰ ﷺ.....
۴۵	خصوصیات اخلاقی حضرت عیسیٰ ﷺ.....
۴۶	چگونه صبح نمودی؟.....
۴۶	شریعت حضرت عیسیٰ ﷺ.....
۴۷	فاصله میان عیسیٰ ﷺ و محمد ﷺ.....
۴۸	نقش انگشتی حضرت عیسیٰ ﷺ.....
۴۸	آسمان دوم و حضرت عیسیٰ ﷺ.....
۴۹	اندرزهای حضرت عیسیٰ ﷺ.....

- ۷۱ خطاب حضرت یحیی علیه السلام به حضرت عیسی علیه السلام ۷۱
- ۷۱ روش حضرت عیسی علیه السلام ۷۱
- ۷۲ دو حرف از اسم اعظم ۷۲
- ۷۲ علم حضرت عیسی علیه السلام ۷۲
- ۷۳ حضرت عیسی علیه السلام و بیماری؟! ۷۳
- ۷۴ کربلای معلی پناهگاه حضرت عیسی علیه السلام ۷۴
- ۷۵ اندرز حضرت عیسی علیه السلام به حضرت یحیی علیه السلام ۷۵
- ۷۵ زهد حضرت عیسی علیه السلام ۷۵
- ۷۶ زینت دنیوی ممنوع ۷۶
- ۷۷ بخش دوم: معاد ●
- ۷۹ فرمان فرار سیدن قیامت ۷۹
- ۸۰ عوامل رفتن به بهشت ۸۰
- ۸۰ بهشت ۸۰
- ۸۰ کسانی که به دوزخ می‌روند ۸۰
- ۸۰ سختی مرگ ۸۰
- ۸۳ بخش سوم: دنیا ●
- ۸۵ ترک دنیا ۸۵
- ۸۵ پرهیز از فریب دنیا ۸۵
- ۸۶ جدایی دنیا از آخرت ۸۶
- ۸۶ مثل دنیا ۸۶
- ۸۷ دنیا پُل است ۸۷
- ۸۷ دنیا سرای گذر است ۸۷
- ۸۷ غصه دنیا نخورید ۸۷
- ۸۸ وای بر حال طالب دنیا ۸۸
- ۸۸ سرانجام دنیا پرستی ۸۸

۹۱	● بخش چهارم: اخلاق
۹۳	الف: فضائل اخلاقی
۹۳	زهد و مکاشفه
۹۴	اخلاص
۹۴	عظمت عبادت پنهانی
۹۴	صدقه دفع بلا
۹۶	خوبی
۹۶	خوبی و کمک به حیوانات
۹۶	آسانتر از توبه
۹۷	حکمت
۹۷	حکمت گمشده مؤمن
۹۷	ادب
۹۸	آموختن
۹۸	ایمان کامل
۹۸	خانه دل
۹۹	آنچه دل را زنده می‌کند
۹۹	سلامت دل
۹۹	پاکی دل
۱۰۰	نور دل و نور چهره
۱۰۰	ویژگیهای دوستان خدا
۱۰۱	افزایش یافتن یقین
۱۰۲	آنچه دوستی خدا را به دنبال دارد
۱۰۲	آنچه آزادگی می‌آورد
۱۰۳	غصه روزی فردا را نخوردن
۱۰۳	گریستن بر حال خود

- کسانی که به عیب خود می‌پردازند ۱۰۴
- کسی که خشم خود را نگه دارد ۱۰۴
- ریشه خشم ۱۰۴
- فضیلت صبر ۱۰۵
- صبر، بخشش، رحمت ۱۰۵
- پرهیز از بدگمانی ۱۰۵
- حقوق دانش‌آموز بر آموزگار ۱۰۵
- آنچه بر دانشمند سزاوار است ۱۰۶
- خصوصیات دوست خوب ۱۰۷
- به سخن بنگرید ۱۰۷
- عیب رانین ۱۰۷
- برترین مردم ۱۰۸
- ب: ردائل اخلاقی ۱۰۸
- موانع اجابت دعا ۱۰۸
- آداب دعا ۱۰۹
- دعای مستجاب ۱۱۰
- دعا و گناه؟! ۱۱۱
- پرخوری ۱۱۲
- عوامل سختدلی ۱۱۲
- خطر شهوت ۱۱۲
- چشم‌ها دامهای شیطان ۱۱۳
- هر عضوی از بدن بهره‌رنا دارد ۱۱۳
- گمراه‌سازی شیطان ۱۱۴
- گناهان کوچک راهی به سوی گناهان بزرگ ۱۱۵
- کینه ۱۱۵

۱۱۵	عیب جویی
۱۱۶	خودپسندی
۱۱۷	خودپسندی و تباهی عبادت
۱۱۷	علمای در خور اتهام و بدبینی
۱۱۷	کسی که در شمار اهل علم نیست
۱۱۸	نکوهش علمای بدکار
۱۱۸	پندگوی پند ناپذیر
۱۱۹	نقش کار در دانش
۱۱۹	پُرگویی دل را می میراند
۱۱۹	صفات احمق
۱۲۰	نهی از سوگند به خدا
۱۲۰	پیامد مال دوستی
۱۲۱	ستم
۱۲۱	نکوهش ستمگری
۱۲۱	آفت لذت بردن از عبادت
۱۲۲	نتیجه دروغ
۱۲۲	کوتاه کردن ناخنها از حرام
۱۲۳	• بخش پنجم: گوناگون
۱۲۵	«حواریون» یعنی چه؟
۱۲۶	اسامی حواریون در بیان امام رضا
۱۲۷	از دسترنج خود بخور
۱۲۷	کشتی طوفانی
۱۲۸	بدی های مال
۱۲۹	کسب و کار
۱۲۹	عاقبت کار

۱۲۹		فرزند نیک و شایسته
۱۳۰		گنج حضرت عیسی علیه السلام
۱۳۳		سه قطعه شمش طلا
۱۳۴		بدبخت‌ترین مردم
۱۳۴		گروه‌های مردم
۱۳۵		امید و آرزو
۱۳۵		انتقام گرفتن از ستمگر
۱۳۶		خواص عدس
۱۳۶		راه زیبایی چهره
۱۳۷		خوب شستن گوشت
۱۳۷		با دهان باز بخوابید
۱۳۸		راه درست درختکاری
۱۳۸		مُرده زندگی دار!
۱۴۰		کتابنامه
۱۵۰		آثار دیگر مؤلف
۱۵۰		آثار منتشر شده

پیشگفتار

«بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين وصلى
الله على سيد الأنبياء والمرسلين، حبيب الله العالمين ابي
القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه وعلى أهل بيته
الطيبين الطاهرين المعصومين لا سيما الحجة بقیة الله
الاعظم روحی و ارواح العالمين له الفداء».

حمد و سپاس بیکران الهی که توفیقی حاصل شد
و حکمتهایی زیبا از پیامبری الوالعزم و پاک و
معصوم به رشته تحریر در آمد. پیامبری که نحوه
رفتار و بیانش الگوی جوامع بشری است و
راهگشای مسائل انسانیت.

مقام حضرت عیسیٰ ﷺ در نزد خداوند متعال:

خداوند متعال پیام‌آور احکام و شریعت خود را (حضرت عیسیٰ ﷺ)، چنین در قرآن تمجید می‌نماید:

عیسیٰ ﷺ بنده خدا و پیغمبر بود. (قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا^۱). به سوی بنی اسرائیل فرستاده شد، (وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ^۲)، یکی از پنج پیامبر الوالعزم و صاحب شریعت و کتاب است و کتابش انجیل می‌باشد، (وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ^۳؛ «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ»^۴ و «وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ»^۵). خداوند او را عیسیٰ مسیح نامید، (...إِنَّ اللَّهَ يَشْرُكُ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ^۶). او کلمه خدا و روحی از او می‌باشد، (إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ^۷). او امام، (وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ

۱. مریم، آیه ۳۰.

۲. آل عمران، آیه ۴۹.

۳. احزاب، آیه ۷.

۴. شوری، آیه ۱۳.

۵. مائده، آیه ۴۶.

۶. آل عمران، آیه ۴۵.

۷. نساء، آیه ۱۷۱.

مَرْيَمَ) و از گواهان بر اعمال (وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا؛ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ) (۲) بود. به آمدن رسول خدا ﷺ بشارت داده است، (وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ) (۵) در دنیا و آخرت آبرومند بوده و از مهربان است، (وَجِئْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ) (۶) مصطفی (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) (۷) و برگزیده از صالحان است، (انعام، آیات ۸۷-۸۵) (۸). هر جا بود با برکت بود، پاک و

۱. احزاب، آیه ۷.

۲. نساء، آیه ۱۵۹.

۳. مائده، آیه ۱۱۷.

۴. صف، آیه ۶.

۵. علاوه بر آیات، روایات بسیاری هم برای تأیید: «بشارت به آمدن پیامبر ﷺ وجود دارد. در روایتی وهب یمانی گوید: شخصی یهودی از پیامبر ﷺ پرسید: آیا نام تو در ام الکتاب قبل از آنکه خلق شوی به عنوان پیامبر ثبت شده بود و آیا اصحاب وفادار تو هم اینگونه بوده‌اند؟ حضرت پاسخ دادند: آری.

سپس یهودی پرسید: پس چرا تو به مانند عیسی بن مریم هنگامی که از مادر زاده شدی لب به سخن نگشودی؟ پیامبر در پاسخ فرمودند: وضعیت من با او بسیار متفاوت است. عیسی به مانند آدم ﷺ بدون پدر از مادر زاده شد و اگر او قادر به صحبت و دفاع از خود نبود بدون شک مریم به سان زنان پاک دیگر در معرض اتهام مردم واقع می‌شد. (علل الشرائع، ج ۱، ص ۷۹، ح ۱ - بحار، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۶ - تفسیر نورالقلین، ج ۳، ص ۳۳۶، ح ۷۶ - قصص الانبیاء، جزائری، ص ۴۵۸ و...).

۶. آل عمران، آیه ۴۵.

۷. آل عمران، آیه ۳۳.

۸. «وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَشُلَيْسَ

پاکیزه بود. نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خدا بود و نسبت به مادرش نیکوکار و نیک رفتار بود؛ بر او درود فرستاده شده است، (مریم، آیات ۳۳-۱۹) و از کسانی بود که خداوند به وی کتاب و حکمت آموخت، (آل عمران، آیه ۴۸).

این‌ها بیست و دو خصلت از مقامهای ولایت هستند که خداوند متعال این پیامبر گرامی را به آنها وصف فرموده و قدر و منزلت او را به واسطه این صفات مشخص کرده و بالا برده است. صفاتی که دسته‌ای از آنها اکتسابی هستند مانند عبودیت و قرب به حق و صلاح و پاکی؛ و دسته دیگر اختصاصی می‌باشند.^۳

→ وَلَوْ طَا وَكَلَّا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ • وَمِنْ آيَاتِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَنِبْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

۱. «قالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا • قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا • قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلْنَجْعَلَنَّ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا • فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا • ۲۲ • فَأَخَذَاهَا الْمَضْجَأُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا • فَدَاخَاهَا مِنَ تَحْتِهَا أَلًّا تَحْزِينِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا • وَهَرَى إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقُطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَبِيًّا • فَكُلِّي وَأَشْرَبِي وَقَوِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِ مِنْ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ أَتْلُومَ إِنِّيًّا • فَأَنْتَ بِهٖ قَوْمَتَا تَحْمِلُهُ فَالُوا بِأَمْرَيْنِمْ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا قَرِيًّا • يَا لَحْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَهْلُكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا • فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا اخْفِئْ نَعْلَكُمْ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا • قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا • وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا • وَبَرَأ إِلَيَّ الذَّنْبَ وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا • وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا.

۲. «وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ».

۳. به میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۶۹، مراجعه شود.

اما چرا مسیح؟

پیرامون آنکه چرا عیسی علیه السلام را «مسیح» نامیده‌اند اقوال مختلفی ذکر گریده است که:

۱. به خاطر میمنت وجود و برکتی که در وی بود.
 ۲. چون او با مسح طهارت و پاکیزه خود را از گناه مصون داشت.
 ۳. چون او در روی زمین، مسیح و گردشگری می نمود و مردم را به خدا و نماز و روزه دعوت می نمود.
 ۴. او هیچ بیماری را مسح نمی کرد مگر آنکه به زودی بهبود می یافت.
 ۵. چون جبرئیل هنگام ولادت با بالهایش او را مسح نمود تا از شرّ شیطان در امان باشد.
 ۶. چون او با روغن زیتون که برکت داده شده و انبیاء دیگر هم چنین می کردند، خود را مسح می کرد.
 ۷. چون سر یتیمان را برای خدا مسح می نمود.
 ۸. چون چشم نابینایان را مسح می نمود و بینا می شدند و...
- اما عیسی علیه السلام خود چه گفته است؟ و درباره او چه گفته‌اند:^۲
- قرآن می فرماید که عیسی بنده خدا و فرستاده اوست و آن

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۹۴ - بحار، ج ۱۴، ص ۲۲۱ - قصص الانبیاء، جزائری، ص ۴۵۹.

۲. با نقل مطالب از کتاب میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۶۰۷۱.

حضرت آنچه را که به او نسبت داده‌اند برای خود ادعا نکرده است و به مردم غیر از رسالت خود چیزی نفرموده است. خدای متعال می‌فرماید:

«آن‌گاه که خدا گفت: ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را به جای خداوند به خدایی بگیرید؟ گفت: منزه می‌تو. مرا نشاید که چیزی را که حق من نیست بگویم. اگر آن را گفته بودم قطعاً می‌دانستی. آنچه در نفس من است تو می‌دانی و آنچه در ذات توست من نمی‌دانم. چرا که تو دانای رازهای نهانی. جز آنچه را فرمان دادی، چیزی به آنان نگفتم. (گفته‌ام) که خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم. پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر هر چیز گواهی اگر عذابشان کنی آنان بندگان تو هستند و اگر برایشان ببخشایی تو خود توانا و حکیمی. خدا گفت: این روزی است که راست گویان را راستی‌شان سود بخشد.»^۱

این کلام شگفت‌آور که شامل عصاۃ عبودیت است و در اوج ادب جای دارد، از یک طرف موضع آن حضرت را در برابر

ربوبیت پروردگارش نشان می‌دهد و از طرف دیگر گویای موضع او در برابر مردم و اعمال آنهاست؛ زیرا می‌فرماید که او خودش را در قبال پروردگارش بنده‌ای می‌داند که کاری جز امتثال امر ندارد و هر چه می‌گوید و هر چه می‌کند، طبق فرمان الهی است و مأموریتی جز دعوت به عبادت خدای یگانه ندارد و به مردم تنها آن می‌گوید که بدان فرمان داده شده است: «خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست عبادت کنید».

و اما آنچه مردم درباره عیسی علیه السلام گفته‌اند:

آنان گرچه بعد از عیسی علیه السلام به مذاهب و فرقه‌های متعددی تقسیم شدند به طوری که ممکن است، از نظر کلیات مورد اختلاف، از هفتاد گروه و فرقه هم متجاوز باشند و البته از حیث جزئیات مذاهب و عقاید بیشتر از این می‌باشند، لیکن قرآن در حقیقت به آنچه مسیحیان درباره خود عیسی و مادرش گفته‌اند اهتمام ورزیده است و به برخی مسائل جزئی، مانند مسأله تحریف و موضوع خدا، این اهتمام را نشان نداده است. مطالبی را که قرآن کریم از قول نصارا بازگو کرده یا به آنها نسبت داده بدین شرح است:

«وَقَالَتِ الْنَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ»^۱

و نصارا گفتند: مسیح پسر خداست.

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ﴾^۱

و گفتند: خدای رحمان فرزندی اختیار کرده

است، پاک و منزّه است او.

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ﴾^۲

هر آینه کافر شدند کسانی که گفتند: خدا همان

مسیح پسر مریم است.

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ﴾^۳

هر آینه کافر شدند کسانی که گفتند: خدا سومین

(شخص از) سه (شخص یا سه اقنوم) است.

﴿وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً﴾^۴

و نگویید (خدا) سه گانه است.

این آیات گرچه به ظاهر شامل سخنان گوناگون دارای مضامین و معانی متفاوت است و از این رو بعضاً حمل بر اختلاف مذاهب در این زمینه شدند، مانند پیروان مذهب ملکائی که قائل به فرزندی حقیقی عیسی برای خدا هستند و پیروان مذهب نسطوری که معتقدند نزول و نبوت (عیسی) از قبیل تابیدن نور به جسمی شفاف مانند بلور می‌باشد و پیروان مذهب یعقوبی که اعتقاد دارند مسأله فرزندی (عیسی) نوعی انقلاب و تحول

۱. انبیاء، آیه ۲۶.

۲. مانند، آیه ۷۲.

۳. مانند، آیه ۷۳.

۴. نساء، آیه ۱۷۱.

است و خدای سبحان به گوشت و خون منقلب شده به صورت بشر (عیسی) جلوه گر شده است.

اما پیداست که قرآن به ویژگیهای مذاهب گوناگون اهتمامی ندارد، بلکه تنها به یک موضوع مشترک میان همه آنها عنایت دارد و آن، موضوع فرزند خدا بودن عیسی و این که او از سنخ خداوند سبحان است و آن چه که از این موضوع متفرع می شود یعنی تثلیث؛ گو این که در تفسیر این موضوع میان مسیحیان اختلاف زیادی است و آنان بحث و مشاجرات ریشه داری را برانگیخته اند. دلیل بر این گفته ما، زبان یکدست و یکپارچه ای است که قرآن در احتجاج بر ضد نصارا به کار برده است. توضیح اینکه تورات و اناجیل کنونی از طرفی تصریح به یگانگی خداوند می کنند، از طرف دیگر انجیل، به فرزند خدا بودن عیسی تصریح می کند و از سوی دیگر صراحتاً می گوید که «این» همان «اب» است نه غیر او.

مسیحیان موضوع فرزندى در انجیل را حمل بر شریف و تبرک نکرده اند، در صورتی که در جاهایی از آن به این امر تصریح شده است. مثلاً می گوید: «اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید. تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر نیکان و

بدان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند. زیرا هرگاه که آنان را محبت نمایم که شما را محبت می‌نمایند، چه اجر دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟ و هرگاه برادران خود را فقط سلام گوئید، چه فضیلت دارید؟ آیا بت پرستان (باجگیران) چنین نمی‌کنند؟ پس، شما کامل باشید چنان که پدر شما که در آسمان است کامل است. «انجیل متی آخر باب پنجم» همچنین می‌گوید: «بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را پدر شما که در آسمان است، دیده و سمجید نمایند». «انجیل متی، باب پنجم».

و نیز درباره دعا می‌گوید: «پس شما به این طور دعا کنید: ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد...».

همچنین می‌گوید: «پس رحیم باشید چنان که پدر شما نیز رحیم است». «انجیل لوقا، باب ششم».

همچنانکه ملاحظه می‌کنید، این فقرات انجیل و امثال آنها عنوان پدر را به خداوند متعال، نسبت به عیسی و دیگران، از باب تشریف و تکریم اطلاق می‌کند.

گو اینکه از بعضی جاهای اناجیل به دست می‌آید که این فرزندی و پدری نوعی تکامل منجر به اتحاد و یگانگی است. مثلاً می‌گوید:

«عیسی این را گفت و چشمان خود را به طرف آسمان بلند کرده گفت: ای پدر، ساعت رسیده است. پسر خود را جلال بده

تا پسر تو را جلال دهد.» آنگاه برای رسولان از شاگردان خود دعا کرد و سپس گفت: «و نه فقط برای اینها سؤال می‌کنم، بلکه برای آنها نیز که بوسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد. تا همه یک گردند چنان که تو ای پدر در من هستی و من در تو. تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی. و من جلالی را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنان که ما یک هستیم. من در ایشان و تو در من تا در یکی کامل گردند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی، چنان که مرا محبت نمودی.» (انجیل یوحنا، باب هفدهم).

با این حال، در اناجیل سخنانی آمده است که ظاهر آنها قابل تأویل و توجیه به تشریف و تکریم نیست. مانند این سخن: «تو ما بدو گفت: ای آقا، نمی‌دانیم کجا می‌روی، پس چگونه راه تو را توانیم دانست؟ عیسی بدو گفت: من راه و راستی و حیات تو هستم هیچ کس نزد پدر جز بوسیله من نمی‌آید. اگر مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید و بعد از این او را می‌شناسید و او را دیده‌اید. فیلیپس در این مدت با شما بوده‌ام آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می‌گویی پدر را به ما نشان ده؟ آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخن‌هایی که من به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم، لیکن پدری که در من ساکن است او این اعمال

را می‌کند. مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است.» (انجیل یوحنا، باب چهاردهم).
و مانند این جمله: «من و پدر یک هستیم.» (انجیل یوحنا، باب دهم).

و مانند این سخن او به شاگردانش: «پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید^۱ دهید.»

(انجیل متی، باب بیست و هشتم).

و این جملات و امثال اینها که در انجیل آمده، مسیحیان را واداشته است که به عقیده تثلیث در وحدت روی آورند.
مراد از این اعتقاد، حفظ عقیده «پسر خدا بودن عیسی» در عین حفظ توحید است که مسیح علیه السلام در تعلیماتش به آن تصریح

۱. تعمید نوعی غسل در میان مسیحیان است که بوسیله آن شخص غسل‌کننده از گناهان پاک می‌شود. وقتی نوزاد ارمنی از مادر متولد می‌شود. یک هفته آغاز زندگی را در کنار او به سر می‌برند. سپس از یک هفته تا ده روز نوزاد را برای غسل تعمید به کلیسا می‌برند. مراسم غسل تعمید بدین ترتیب صورت می‌گیرد که: کشیش آبی را که در جام مقدس است و قبلاً ادعیه‌ای چند در آن خوانده است به روی نوزاد می‌پاشد، در ته جام محتوی آب، تصویر یک صلیب منقوش است. ضمناً کشیش صلیب دیگری در دست دارد که در جریان غسل تعمید آن را چند بار در جام آب فرو می‌برد و بدین ترتیب آب را تطهیر و مقدس می‌کند و مرتباً اورادی از اناجیل خوانده در جام آب می‌دمد و باز از آن آب بر روی نوزاد می‌پاشد. غسل تعمید اولین مراسم مذهبی در زندگی یک ارمنی و به طور کلی مسیحیان است و آنقدر برای آن اهمیت قائلند که می‌گویند تا کودکی را غسل تعمید ندهند مسیحی نیست. (رائین، اسماعیل، ایرانیان ارمنی، ص ۶۳-مهدوی، مجید، تأثیر اقلیت‌های مذهبی بر بافت فرهنگی اصفهان، ص ۴۰).

کرده است. مثلاً می‌گوید: «اول همه احکام این است که: بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما خداوند واحد است». (انجیل مرقس، باب دوازدهم).

باری، حاصل آن چه مسیحیان در این باره گفته‌اند - گوا این که حاصل و نتیجه معقولی ندارد. این است که ذات حق جوهر واحد و یگانه‌ای است که دارای سه اقنوم می‌باشد و مراد از اقنوم صفتی است که همان نحوه ظهور و بروز و تجلی شیء برای غیر خود می‌باشد و صفت با موصوف مغایر نیست. اقانیم سه گانه عبارتند از: اقنوم وجود، اقنوم علم یعنی همان کلمه و اقنوم حیات یا همان روح. این اقنوم‌های سه گانه همان: پدر و پسر و روح القدس می‌باشند که پدر اقنوم وجود است و پسر اقنوم علم و کلمه، و روح القدس اقنوم حیات...^۱

اقا مباحث این نوشتار:

در این نوشتار سعی بر آن شده که کلمات زیبا و حکمت‌آمیزی که از طریق روایات امامان شیعه، اهل بیت علیهم‌السلام درباره حضرت عیسی علیه‌السلام بیان شده را جمع‌آوری نموده و آنان را در محور اخلاق، دنیا، توحید و نبوت و... جایگزین نمایم.

۱. میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۶۰۷۹ - برای توضیح بیشتر در مورد این مباحث به کتاب:

«کلام میحی» نوشته توماس میشل کشیش و راهب کاتولیک آمریکایی - با ترجمه آقای حسین توفیقی مراجعه شود.

پس این نوشتار به گمان برخی، تبلیغ مسیحیت و عقائد آنها نمی‌باشد بلکه برعکس، عقائد ناب جهان اسلام و تشیع را می‌توان در لابلای آن جستجو کرد.

در پایان از فداکارها و زحمات همسر گرانقدرم که در کار فیش برداری و مسائل دیگر این کتاب و سایر کتب به حقیر کمک نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و از شما خوانندگان عزیز و محترم نیز درخواست دارم چنانچه نظری در هر چه بهتر شدن این مجموعه دارید آن را برای ما ارسال فرمائید.

و ما توفیقی الا بالله
علیرضا زکی زاده رنانی
بهار ۱۳۸۵ - حوزه علمیه قم
أحبّ خوانی من أهدی إلی عیوبی